

ما برای اینکه بتوانیم هزینه‌ها و رفت و آمدها را مدیریت کنیم سعی کردیم گروه تولید را یک گروه کوچک در نظر بگیریم و تعداد نفرات را کم کنیم تا گروه چابک‌تری باشیم و بتوانیم سریع به لوکیشن‌ها برسیم و معطل هماهنگی با تعداد زیادی از افراد نباشیم. در زمینه چالش‌های مالی هم سعی کردیم با کم کردن هزینه‌ها و تعداد اعضا، گروه را از زنده نگه داریم تا فیلم در طول این ۴ سال تمام شود. البته همراهی بچه‌های گروه بخصوص فیلمبردارمان آقای علی منصوری که تمام لحظات این ۴ سال در کنار ما حضور داشت مثال زدنی است و واقعا حضور ایشان برای ما غنیمت بود.

اینکه گرفتن مجوز تصویربرداری از روند دادگاه‌ها یک سال طول کشیده چه علتی داشت و آیا راهی وجود دارد که این پروسه کاهش یابد.

ما مجوز تصویربرداری در مجلس را هم گرفته بودیم و پروسه گرفتن این مجوز تقریباً ۷ ماه طول کشید اما دقیقاً صبح همان روزی که برای فیلمبرداری رفتیم به خاطر یک اتفاق و عدم هماهنگی نتوانستیم سکانس‌هایی که خانم خلیج به مجلس می‌رود و می‌خواست نماینده گلپایگان را ببیند و نامه‌ای که نوشته بود و اعتراضش را به دبیرخانه مجلس برساند را از دست دادیم و نتوانستیم تصویربرداری کنیم. در مورد قوه قضاییه هم همین‌گونه بود. این پروسه هم یکسال طول کشید. بخشی از این زمان به خاطر مسائل امنیتی و معذوریت‌هایی نسبت به دادن مجوز به مستندسازان و یا فیلمسازان بود و باید جوانب کار را بررسی می‌کردند اما فکر می‌کنم قطعاً می‌شود این روند را تسهیل کرد و اگر یک اعتمادسازی بین مستندسازان و ارگان‌های دولتی یا سازمان‌هایی که نیاز به چنین مجوزهایی دارند به وجود بیاید این مسیر تسهیل خواهد شد. خوب مستندساز می‌خواهد اثری بسازد که در کشور خودش اکران شود و قرار است یک رسالت اجتماعی را انجام دهد بنابراین اگر اعتماد به وجود بیاید خیلی خوب می‌شود. مستندساز اساساً دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و کار غیرقانونی نمی‌کند و می‌خواهد در حیطه قانون فیلمش را بسازد. با توجه به اینکه پس از این اعتمادسازی بین ما و مرکز رسانه قوه قضاییه شکل گرفت برای دادگاه‌های بعدی هماهنگی‌ها از طرف خودشان صورت می‌گرفت، تماس می‌گرفتند و دیگر نیازی به دوندگی و پافشاری ما نبود و واقعاً در این مسیر به ما کمک کردند و نباید از حق گذشت که در ادامه این مسیر خیلی پیگیر قضیه بودند و برایشان مهم شده بود.

موتور محرک و انگیزه یک مستندساز با توجه به این چالش‌های شدید اقتصادی و چالش‌های خود فیلمسازی مستند چیست؟

واقعیت این است که هر کاری یک سری ویژگی‌های شخصیتی می‌طلبد و هر آدمی برای کاری ساخته و زاده شده است. به نظر من مستندسازان انسان‌های پیگیر و اهل جستجو و افراد سرسختی هستند که به راحتی از چیزهایی که در کنارشان رخ می‌دهد نمی‌گذرند. مسائل را می‌بینند و دوست دارند که مسائل را بررسی کنند، به چالش بکشند و نشان بدهند. وقتی به تاریخ مستندسازی ایران نگاه می‌کنید هر جایی که حقی ناقص شده یا اتفاقی افتاده و مسائلی روی داده که نیاز بوده بررسی عمیق‌تری انجام شود مستندسازان حضور داشتند و آن وقایع و لحظات را ثبت کرده‌اند و ثبت شدن آن لحظات واقعاً کمک می‌کند به اینکه آیندگان بتوانند در مورد گذشته یک دیدگاه کامل‌تری داشته باشند. اما برای من ثابت شده که مستندساز از طرف مسئولین کشور و آدم‌هایی که در این کشور تصمیم‌گیرنده هستند دیده می‌شود و به شدت روی آنها تاثیرگذار است چون قرار است تصمیمات مهمی در این کشور بگیرند و مستندساز به آنها کمک می‌کند تا با مسائل روز جامعه به صورت مستقیم روبرو شوند و قرار نیست دیگر بر اساس یک سری گزارش‌های ماهانه و سالانه که روی کاغذ به آنها داده می‌شود به یک ارزیابی از وضع موجود برسند. مستندساز می‌تواند خیلی راحت‌تر و انسانی‌تر این مسائل را برای آنها تسریع کند تا ببینند که در جامعه و کنار گوششان چه اتفاقاتی می‌افتد.

سخن پایانی

فکر می‌کنم باید به حوزه تبلیغات مستند بیشتر بها داده شود تا مردم بفهمند و بدانند که این فیلم‌ها نیز ارزش دیدن دارند. مسئله اول ما این است که مشکل مخاطب داریم و اولین قدم این است که اساساً مخاطب ما بفهمد که یک فیلم مستند در جایی اکران می‌شود و این نیازمند یک تبلیغات بسیار گسترده‌تر و نیازمند همیتی از سوی سازمان‌هایی است که می‌توانند از مستندسازها حمایت کنند. مثلاً شهرداری‌ها می‌توانند یک سری از بیلبوردهایشان را به آثار مستند اختصاص بدهند چرا که واقعاً فیلم‌های مستند بضاعتی ندارند که بخواهند بیلبورد بگیرند و تبلیغ کنند. من فکر می‌کنم که واقعاً برای مردم جذاب باشد که آثار مستند را ببینند و این دغدغه بخش بزرگی از جامعه است اما تبلیغاتی وجود ندارد.



مصطفی حاجی‌قاسمی، کارگردان:

ما به مستند بودن قضیه متعهد بودیم

در مورد مسیری که این مستند بعد از ساخت طی کرده و شرکت در جشنواره‌ها و جوایزش بگوئید.

مستند «خانواده خلیج» در اولین حضور جشنواره‌های خود در جشنواره سینما حقیقت شرکت داشت و با استقبال مخاطبان روبرو و در چهار بخش کاندید شد. این مستند در بخش‌های بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، بهترین پژوهشگر، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم نامزد شد و توانست تندیس بهترین کارگردانی را دریافت کند. بعد از آن به جشنواره فیلم فجر رفت و آنجا هم کاندید سیمرغ بلورین بهترین مستند شد و پس از آن برای اکران در گروه و هنر تجربه ارائه شد که خوشبختانه این روزها در حال اکران است و پس از اتمام اکران نیز پروسه اکران آنلاینش آغاز خواهد شد.

از روند چهار ساله ساخت، چالش‌های بخش قضایی این مستند و اینکه آیا بازسازی انجام شده بگوئید.

نه بازسازی انجام نشده و همه چیز در لحظه اتفاق افتاده است. ما به مستند بودن قضیه متعهد بودیم و هیچ صحنه‌ای را نساختیم، آنها وارد دادگاه می‌شدند و ما هم همراهشان و آنجا فیلمبرداری می‌کردیم و تمام لحظاتی که آنها پیگیر کارشان بودند مادر کنارشان حضور داشتیم چه در خانه و چه در دادگاه، یکی از دلایلی که این فیلم ۴ سال طول کشید هم به خاطر روند قضایی پرونده بود و اگر روند قضایی پرونده زودتر تمام و پرونده حل می‌شد احتمالاً این مستند نیز زودتر تمام می‌شد.

با توجه به اینکه لوکیشن سوزه در گلپایگان و برای بخش قضایی مدام در رفت و آمد بودید در زمینه هزینه‌ها و گروه ساخت با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

که بسیاری از چیزها را انجام بدهیم و بسیاری از چیزها را نه، همینطور از آقای خلیج نیز بسیار آموختم. خانم خلیج صبوری غریبی در زندگی داشتند و این استقامت و عشق به تولید و کارش روی خود من بسیار تاثیر گذاشت. حتی روی رابطه من و همسرم که با هم فیلم کار می‌کنیم و از آنجایی که مستندسازی کار بسیار سخت و پرچالشی است ما هم سختی می‌کشیم. ما هم به نوعی تولیدکننده‌ایم. حال تولیدکننده یک محصول فرهنگی و این کار برای من هم به نوعی تریبی پذیرش بود که گاهی باید در زندگی برخی چیزها را پذیرفت و با آن کنار آمد و پس از این پذیرش می‌توان برای آن چاره یافت اما تا زمانی که می‌خواهی با آن تقابل کنی شاید به نتیجه‌ای نرسی.

سخن پایانی

مرکز گسترش ساز و کاری دارد که شما طرحی را ثبت می‌کنید، برای شما پیچیدگی می‌گذارد، دمویی می‌سازید و از طرف حتان دفاع می‌کنید اگر چنین روند کارآمدی در فضاها و ارگان‌های مختلف ایجاد شود مثل وزارتخانه‌های صنعت و معدن، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و حتی در بخش خصوصی که آدم‌ها طرح فیلم، فیلمنامه، مستند و اثر هنری را ارائه بدهند و در قالب طرح مسئولیت اجتماعی برایش بودجه‌ای در نظر گرفته شود و در یک رقابت سالم افراد برای تولید اثرشان انتخاب شوند، می‌توانیم یک فضای اتوپیایی و مدینه فاضله‌ای برای استعدادها بسازیم. وجود چنین ساز و کاری در مرکز گسترش به من که نه رابطه‌ای داشتیم و نه کسی مرا می‌شناخت بلکه فقط سر سوزن ذوقی داشتیم که تمام دارایی‌ام بود، فضایی داد که من در آن پر و بال بگیرم و فیلمم را بسازم. بنابراین امیدوارم چنین بسترهای قانونمند و اصولی در جاهای مختلف ایجاد شود تا نسل‌های پس از من هم بتوانند استفاده کنند و در حجم گسترده‌تری استعداد‌های ملی ما شکوفا شود.